

ارزیابی و نقد دیدگاه اتان کلبرگ در یکسان انگاری فرقه‌های اثنی عشریه و حریبه

محمدعلی نجفی^۱، محمدرضا آرام^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۴/۶)

چکیده

اثنی عشریه، از بزرگترین فرقه‌های امامیه بشمار می‌آید و از زمان رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم به شیعه معروف بوده‌اند. اهمیت این فرقه توجه اتان کلبرگ مستشرق شیعه‌شناس را به خود جلب و او این فرقه را محور مطالعاتی خود قرار داده است. کلبرگ در مقاله نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی عشریه، با استناد به کتاب الشجره ابوتمام، فرقه اثنی عشریه را با فرقه حریبه یکی دانسته است. حریبه پیروان عبدالله بن حرب کندی بودند که عبدالله را به عنوان امام بعد از ابوهاشم فرزند محمد حنفیه، می‌دانستند. یاران او بعد از مدتی به کذب ادعای امامت او پی بردند و از او روی گردان شدند. در مقاله حاضر، نخست فرقه اثنی عشریه را در منابع شیعه و اهل سنت معرفی کرده، سپس با بیان گزارشی از این دو فرقه در کتب ملل و نحلی که قبل از کتاب الشجره ابوتمام، تألیف شده‌اند، عدم صحت ادعای اتان کلبرگ در یکسان انگاری دو فرقه حریبه و اثنی عشریه، روشن می‌گردد.

کلید واژه‌ها: اثنی عشریه، حریبه، اتان کلبرگ، دوازده امام، ابوتمام، کتاب الشجره

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
moanjf@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
moh.aram@iauctb.ac.ir

طرح مسئله

فرقه اثنی عشریه از بزرگترین فرقه های مذهب شیعه می باشد این گروه از زمان پیامبر اکرم بوجود آمده که اعتقاد به دوازده امام از جانشینان ایشان را دارند؛ و این جانشینان با امامت امام علی بن ابی طالب شروع شده و با امامت آخرین آنها، یعنی دوازدهمین امام حضرت مهدی علیه السلام ادامه دارد. (مغنیه، ۴۳)

شناسایی حقیقت فرق اسلامی نیاز به مطالعات عمیق فراوانی دارد، تشیع که از بزرگترین مذاهب اسلامی بشمار می آید، توجه مستشرقان اسلام شناس را به خود جلب نموده است. در این تحقیق به مستشرق شیعه شناس به نام اتان کلبرگ اشاره می نماییم. او در مقاله نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی عشریه ذیل معرفی فرقه حریبه، گروهی از این فرقه را با اثنی عشریه یکی دانسته است. (کلبرگ، ۶۴-۷۵)

مطابق با روایات وارده در منابع شیعه اثنی عشری، همواره روی زمین، انسانی الهی وجود داشته است. که آئینه حق بر روی زمین و خلیفه خدا است. ابو حمزه می گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا زمین بدون وجود امام باقی می ماند؟ فرمود: «اگر زمین بی امام گردد اهلش را فرو خواهد برد» (کلینی، ۱/۱۷۹).

حریبه نیز از فرقه های شیعه بشمار می آید، که گروهی از فرقه کیسانیه هستند، و بعد از امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، و سپس امام حسین علیه السلام، و بعد از آنها محمد حنفیه و فرزندش ابو هاشم را از امامان خود می دانند. حریبه گروهی از یاران ابو هاشم، با ریاست عبدالله بن حرب کندی هستند؛ و بعد از ابو هاشم دچار اختلاف و تزلزل شدند و به گروه های دیگری تقسیم شدند. (اشعری، سعد، ۲۶-۴۴). حریبه در کتب ملل و نحل به نام های متفاوتی از جمله: حرثیه (نوبختی، ۳۲) و حزیه (حمیری، ۱۶۰) نیز آمده است.

در این پژوهش به معرفی فرق حریبه و اثنی عشریه و مرجع مطالعاتی اتان کلبرگ پرداخته و این موضوع رسیدگی می شود که آیا این دو فرقه براساس آنچه که اشاره شده با هم یکی بوده؟ و یا دو فرقه مجزا از هم هستند؟

شیعه اثنی عشری در اسلام

اثنی عشریه از بزرگترین فرقه‌های شیعه بشمار می‌آید، با توجه به اهمیت این گروه در جهان اسلام، در این قسمت به معرفی اجمالی شیعه در منابع اسلامی، خواهیم پرداخت. تشیع در لغت عبارت است از: مشایعت، پیروی نمودن، یاری نمودن، ولایت کسی را داشتن (جوهری، ۱۲۴۰/۳). شیعه در اصطلاح به معنای نگرشی که امامت را منصب الهی می‌داند و انتخاب امام از جانب خداوند صورت می‌گیرد (رضوانی، ۱۵).

از آغاز بعثت رسول خدا (ص)، به نص صریح قرآن، خداوند پیامبر را مأمور تبلیغ دین خود به خویشاوندان نمود. (الشعراء، ۲۱۵) پیامبر اکرم پس از دعوت خویشاوندان خود، به آنان فرمود: هر کس از شما در اجابت این دعوت سبقت گیرد، او وصی و جانشین من خواهد بود. حضرت علی علیه السلام، به این درخواست لبیک گفت و پیامبر اکرم ایمان او را پذیرفت و رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم دستش را بر گردن حضرت علی علیه السلام قرار داد و فرمودند: این شخص برادر و وصی و جانشین من می‌باشد و باید از او اطاعت نمایید. (طبری، ۳۲۰/۲؛ ابو فداء، ۱۱۷/۱-۱۱۶؛ ابن کثیر، ۳۹-۴۰/۳؛ بحرانی، ۲۴۰).

در حدیثی منسوب به حضرت علی (ع) از قول رسول خدا وجود دارد که ایشان فرمود: امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهند شد و تنها یک فرقه ناجیه خواهد بود و بقیه فرقه‌ها هلاک خواهند شد، نجات یافتگان کسانی هستند که به ولایت شما تمسک جویند... پس از پیامبر اکرم عدد ائمه را پرسیدم، پس فرمود: به عدد نقبای بنی اسرائیل. (مجلسی، ۳۳۶/۳۶؛ خزاز رازی، ۱۵۵)

رسول خدا (ص) به پیروی از سنت الهی که در میان انبیاء گذشته نیز وجود داشته به دستور خداوند جانشینان خود را معرفی کرده است؛ و فرقه ناجیه به مردم شناسانده بودند. اما اینکه جانشینان ایشان چه کسانی هستند سؤالی است که از زمان رحلت پیامبر اکرم (ص) مورد بحث میان مسلمانان بوده است. برای یافتن پاسخ به معتبرترین کتب حدیثی شیعه و اهل سنت در بخش‌های بعدی، مراجعه می‌کنیم.

اثنی عشریه در منابع شیعه

در واقعه غدیر خم پیامبر اکرم (ص)، بعد از نماز ظهر خطاب به حاضران اشاره به جانشینی حضرت علی علیه السلام نموده و فرمود: این ابلاغ به دستور خداوند متعال بوده است پس از رساندن ابلاغ ولایت، آیه اکمال نازل شد. در آن هنگام سلمان فارسی در مورد این مسئله که ولایت، تنها بر حق حضرت علی علیه السلام است یا خیر؟ از رسول خدا سؤال کردند. پیامبر اکرم در پاسخ به آن چنین فرمود:

بلکه در باره او و در مورد اوصیای من تا روز قیامت نازل گردیده، سلمان گفت: ای رسول خدا آنان را برای من روشن نما (که چه کسانی اند)، فرمود: علیّ برادر من و وصیّ من و وارث من و جانشین من است در میان امتّ، و پس از من ولیّ هر مؤمنی است و یازده امام از فرزندان او که نخستین آنها فرزندانم حسن و بعد حسین است، سپس نه تن از فرزندان حسین هر یک پس از دیگری، آنان با قرآن قرین اند و قرآن با ایشان است، نه ایشان از قرآن جدا می شوند و نه قرآن از آنان، تا اینکه در کنار حوض کوثر به من ملحق شوند. (نعمانی، ۶۹-۷۰)

احادیث زیادی از پیامبر اکرم در توصیف و عدد امامان و جانشینان بعد از او وارد شده که در برخی روایات آمده همگی از قریش هستند و عدد آنان به عدد نقبای بنی اسرائیل می باشد. از جابر بن سمره روایت شده که گفت: شنیدم رسول خدا صلّ الله علیه و آله وسلّم فرمود: بعد از من دوازده خلیفه خواهند بود، همه آنها از قریش هستند، زمانی که به خانه خویش بازگشتند، به نزد ایشان رفتم هنگامی که من و او تنها بودیم گفتم: سپس چه چیزی خواهد شد؟ فرمود: فرج می باشد. (خزاز رازی، ۵۲)

روایت جانشینان پیامبر بر اینکه همه آنان از قریش می باشند، در بسیاری از کتب حدیثی معتبر شیعه با مزمونی واحد و با سندهای مختلفی آمده است. (صدوق، امالی، ۳۱۰؛ صدوق، الخصال، ۴۶۶؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ۵۰/۱-۵۱؛ نعمانی، ۱۰۳-۱۰۶؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۲۷۲-۲۷۳، ۶۸؛ خزاز رازی، ۲۷، ۴۴، ۵۱-۵۲، ۷۶-۷۸، ۹۱؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۲۸۹-۲۹۱، ۲۹۵؛ جوهری بصری، ۴).

برابری تعداد جانشینان رسول گرامی اسلام با نقبای بنی اسرائیل در احادیث فراوانی در کتب معتبر شیعه ذکر شده است.

مسروق گفته: نزد عبد الله بن مسعود قرآن‌های خود را مقابله و تصحیح می‌کردیم نوجوان بیابانی به او گفت: آیا پیامبر شما به شما گزارش داده است که پس از وی چند تن پیشوا هستند؟ عبد الله در جواب گفت: نوجوان نورسیده‌ی هستی، این سؤالی‌ست که تا کنون کسی از من آن را نپرسیده بود. آری پیامبر به ما گزارش داده است که پس از وی دوازده تن پیشوای او هستند به شماره نقبای بنی اسرائیل. (صدوق، الخصال، ۴۶۷/۲).

با مضمون حدیث فوق روایات متعددی در کتب حدیثی وجود دارد. (از جمله نک: کوفی، ۱۵۱-۲۲۹؛ خزاز رازی، ۸۹-۸۷-۷۶-۷۴-۵۸-۴۷-۳۸-۳۶-۲۷-۲۵-۱۷-۱۴؛ نعمانی، ۱۱۶؛ صدوق، امالی، ۳۰۹-۳۱۰؛ صدوق، الخصال، ۴۶۷/۲-۴۶۸؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ۴۸/۱-۵۰؛ حلبی، ۴۱۷).

روایتی از جانب جابر بن عبد الله انصاری در مورد آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ لَكُمْ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء، ۵۹) جابر می‌گوید: به رسول خدا گفتم، یا رسول الله خداوند و رسولش را شناختیم؛ اما «أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» که خداوند طاعت آنان را به اطاعت شما قرین فرمودند، چه کسانی هستند؟ پس حضرتش فرمودند: «... خُلَفَائِي وَ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أُولُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ بِالتَّوْرَةِ [فِي التَّوْرَةِ] بِالْبَاقِرِ وَ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كُنْيَى حَجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ نَفْسُهُ [بَقِيَّتُهُ] فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ...» در آخر این روایت سفارش پیامبراکرم به جابر درباره امام دوازدهم و دوران غیبتش چنین یاد شده است «... ای جابر، این از رازهای نهفته خدا و از علوم پوشیده اوست، آن را پنهان کن، مگر از کسی که شایستگی

این اسرار را داشته باشد.» در جمله اخیر اهمیت جانشینی و دوران غیبت امام دوازدهم آشکار گشته که طبق سفارش پیامبر اکرم تنها توسط اهلش سینه به سینه منتقل گردد. (خزاز رازی، ۵۳-۵۶؛ صدوق، کمال‌الدین و اتمام النعمة، ۲۵۳/۱-۲۵۴؛ طبرسی، ۱۸۱/۲-۱۸۲؛ ابوالفتح رازی، ۱۷۲/۱۴-۱۷۳؛ جرجانی، ۲۳۴/۲-۲۳۵؛ آملی، ۱/۵۵۶-۵۵۷؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۰۳/۲؛ فیض کاشانی، ۱/۴۶۴).

حدیث دیگری منصوب به پیامبر اکرم در شب معراج در منابع اسلامی مشاهده می‌شود؛ پس از عروج شریف ایشان به سوی آسمان در هنگام وحی خداوند در آن شب، رسول خدا انوار همه ائمه را می‌بیند، در این روایت نیز نام‌های همه ائمه ذکر شده است و در روایت اینگونه بیان می‌شود. «... پس خداوند عزّ و جل فرمودند: به بالای سرت بنگر، پس نگریم، ناگهان انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت که در میان آنها مانند ستاره ای درخشان مشاهده کردند، گفتم: یارب، آنها چه کسانی هستند؟ و این کیست؟ گفت: ای محمد، آنها ائمه بعد از تو و مطهرون از نسل تو می‌باشند و این حجت است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند و دلهای جماعت مؤمنان را شفا می‌بخشد...» (خزاز رازی، ۷۰-۷۳؛ بحرانی، الانصاف، ۴۴۷-۴۵۰) این حدیث با مضمون دیگری نیز آمده است. (صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ۲۵۲/۱-۲۵۳)

روایت دیگر در مورد وصیت پیامبر اکرم به اهل بیت ایشان که از سوی خداوند متعال نازل گشته است، می‌باشد. این وصیت که مشتمل بر دوازده مهر است و هر امامی صاحب یک مهر از آن را دارا است. در این روایت نام همه دوازده جانشین رسول خدا ذکر شده است. همچنین این روایت از طرق مختلف با مزامین گوناگون مشاهده می‌شود. (مجلسی، ۱۹۲/۳۶-۱۹۴؛ کلینی، ۲۸۰/۱؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ۴۰/۱؛ نعمانی، ۵۲)

در شأن نزول آیه تطهیر، «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ

يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» (الاحزاب، ۳۳) چنین بیان می‌شود که حضرت علی علیه‌السلام، به همراه همسر و فرزندان به محضر رسول اکرم در خانه ام سلمه وارد شدند. رسول اکرم، آیه تطهیر را قرائت نمود؛ سپس فرمود: ای علی این آیه در شأن شما و دو فرزندت و دیگر ائمه نازل گردیده است؛ حضرت علی علیه‌السلام، از رسول خدا عدد جانشینان را سؤال می‌کنند، پیامبر اکرم در پاسخ نام تمام ائمه را به ترتیب ذکر می‌نمایند. «... أَنْتَ يَا عَلِيُّ ثُمَّ ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ ابْنُهُ وَ بَعْدَ جَعْفَرٍ مُوسَى ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُوسَى عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ ...» (مجلسی، ۳۳۶/۳۶؛ خزازرازی، ۱۵۶) به مضمون این حدیث در منابع دیگر نیز مشاهده می‌شود. (نعمانی، ۷۲؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ۲۷۸/۱)

در آخر این مطلب به بیان حدیثی بسنده می‌کنیم. امام صادق علیه‌السلام، در خطاب به داوود بن کثیر رقی که در امر دین خود دچار تزلزل و تشویش شده بود، پوسته‌ای نازک به او نشان می‌دهند که محتوای آن ذکر لا اله الا الله، محمد رسول الله، آیه سی و ششم سوره توبه، نام دوازده امام بر روی آن پوسته نگارش شده بود.

داود بن کثیر رقی گوید: «در مدینه خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم، آن حضرت به من فرمود: ... همانا شمار ماه‌ها نزد خداوند دوازده ماه است در کتاب خدا از روزی که آسمان ها و زمین را آفرید که چهار ماه از آنها حرام است آن دین مستقیم همین است یعنی امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی، و آن بازمانده که حجت خداوند بر روی زمین است» سپس آن حضرت فرمود: ای داود آیا می‌دانی این (دو سطر) چه زمانی در این (پوسته نازک) نوشته شده؟ عرض کردم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند و شما خود آگاه ترید، پس فرمود: دو هزار سال

پیش از اینکه خداوند آدم را بیافریند» (یعنی از پیش، مشیت و خواست خداوند چنین بود) (نعمانی، ۸۸/۱).

اثنی عشریه از منظر منابع اهل سنت

روایتی در منابع اهل سنت پیرامون تعداد جانشینان رسول خدا می‌باشد که به این شرح است. «مسروق نقل می‌کند من با عبدالله بن مسعود در مسجد نشستیم و ابن مسعود برای ما قرآن قرائت می‌کرد. فردی نزد ما آمد و از ابن مسعود سؤال کرد، آیا پیامبران به شما گفته است که پس از او چند جانشین دارد؟ ابن مسعود جواب داد، بله. به تعداد نقبای بنی اسرائیل.» (ابن حنبل، ۳۲۱/۶). تعداد نقبای بنی اسرائیل با توجه به آیه ۱۲ سوره مائده دوازده نفر می‌باشند. شبیه این روایت در مسند ابن ابی شیبّه، حدیث ۲۷۴ (ابن ابی شیبّه، ۱۸۷/۱) و الفتن نعیم بن حماد، حدیث ۲۱۷ (ابن حماد، ۹۵/۱) آمده است.

ابن حجر عسقلانی نیز در کتاب المطالب العالیّه بزوائد المسانید الثمانيه حدیث فوق را با اضافه اثنی عشر نقیباً ذکر نموده است. (همو، ۵۷۷/۹).

اگر به کتاب لسان العرب ابن منظور مراجعه کنیم کلمه نقیب معانی چندی چون: امین، کفیل، پیشوا، زعیم و رئیس الاکبر دارد. (ابن منظور، ۷۶۹/۱-۷۷۰). همچنین در تفسیر قرطبی درباره معنای کلمه نقیب چنین آمده است، نقیب آن کسی است که قائم به امور است، یعنی کارهای جامعه را با توجه به مصالح جامعه انجام می‌دهد، یعنی حاکم اسلامی. (قرطبی، ۱۱۲/۶).

روایتی از جانب رسول گرامی از زبان جابر بن سمره نقل شده است: «من همراه پدرم سمره محضر پیامبر اکرم رسیدیم. حضرت فرمود: این امر اسلام پایدار است، تا زمانی که دوازده خلیفه من برای مردم بیایند. پیغمبر صل الله علیه و آله و سلم جمله‌ای گفتند که من نشنیدم، به پدرم گفتم که حضرت چه فرمود: پدرم گفت: تمامی این دوازده نفر از قریش هستند.» (مسلم، ۱۴۰/۵-۱۳۷).

با جستجوی ساده در جانشینان پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم، حدیثی مشاهده می‌شود، که دوازده خلیفه از قریش و طبق گفته بخاری واجب الاطاعه هستند، هر کس با آنان دشمنی کند، خداوند او را در آتش جهنم می‌افکند. (بخاری، ۱۷۶۴) و دین اسلام به وسیله ایشان پابرجا است و گریزی از وجود ایشان نیست، (همانجا، ۸۶۶) این جانشینان چه افرادی هستند؟ مصداق این خلفای دوازده گانه را جوینی و قندوزی حنفی در ینابیع المودة طبق حدیثی که از رسول اسلام نقل کرده‌اند، معرفی می‌نمایند. ایشان فرموده‌اند همانا جانشینان من و اوصیای من و حجت‌های خدا بر مردم دوازده نفر هستند. اول ایشان برادر من است و آخر ایشان پسر من است. پرسیده شده‌ای رسول خدا برادران چه کسی است؟ فرمودند: علی بن ابی طالب. پرسیده شد پسران چه کسی است؟ فرمودند: مهدی، کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند. (جوینی، ۳۱۲/۲؛ قندوزی حنفی، ۵۰۳/۳)

در حدیث دیگر فرد یهودی بر رسول خدا وارد می‌شود و از ایشان در مورد نام جانشینان آن حضرت سؤال می‌کند، در این ملاقات پیامبر اکرم نام تک‌تک جانشینان خود را معرفی می‌نماید اولین آنان علی علیه السلام است سپس حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی، محمد بن حسن. (قندوزی حنفی، ۴۹۹/۳)

از روایات جانشینان رسول خدا در منابع شیعه و اهل سنت که ذکر آن گذشت، مشخص می‌شود که تعداد جانشینان پیامبر اکرم دوازده نفر، به تعداد نقبای بنی اسرائیل که در قرآن آمده است، می‌باشند. نامهای آنان نیز در منابع شیعه و اهل سنت بیان شده است و طبق کتب ملل و نحل که در بخشهای بعدی خواهد آمد، مشاهده می‌کنیم، نامهای امامان شیعه اثنی عشری با نامهای جانشینان پیامبر اکرم، مطابقت کامل با یکدیگر دارند.

دیدگاه کلبرگ^۱ در یکی دانستن فرقه‌های حریبه با اثنی عشریه

در مقاله نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی عشریه اتان کلبرگ در وصف حریبه، به نقل از کتاب الشجرة ابوتمام می‌گوید: «گروهی از کیسانیه هستند که بعد از وفات ابوهاشم، عبدالله بن عمر حرب را امام دانسته و بعد از وفات او عبدالله بن معاویه را به امامت شناختند. و بعد از وفات عبدالله بن معاویه به سه گروه تقسیم شدند که بنا به عقیده گروه سوم عبدالله بن عمر و عبدالله بن معاویه امامان مشروع نبودند و امام بعد از ابوهاشم، علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (امام زین العابدین علیه‌السلام) و بعد از او امام محمد باقر علیه‌السلام است. در ادامه ابوتمام می‌گوید: این گروه همراه با امامیه دوازده امامی است. این دو گروه توافق کامل با یکدیگر دارند. و اجتماع هذ الصنف مع الامامیه الاثنی عشریه و اتفقوا علی کلام واحد.» با توجه به دیدگاه اتان کلبرگ فرقه حریبه با فرقه اثنی عشریه هر دو یک فرقه هستند. (کلبرگ، ۶۶)

معرفی کتاب الشجرة ابوتمام از نگاه دانشمندان اسلام شناس (مادلونگ و واکر)

در سال ۱۹۹۸م به واسطه دانشمندان اسلام‌شناس پرفسور مادلونگ و با همکاری پل ای واکرکتایی در حوزه مذاهب اسلامی در انتشارات بریل (لیدن) منتشر گردید. این کتاب همان کتاب الشجرة تألیف یکی از داعیان اسماعیلی به نام یوسف بن محمد نیشابوری متوفی قرن چهارم ق می‌باشد که بخشی از کتاب خود را به عنوان باب الشیطان نام گذاری

۱. اتان کلبرگ در سال ۱۹۴۳ م در تل آویو به دنیا آمد. پدرش یوشع کلبرگ (۱۹۹۹ م-۱۹۰۹ م) یکی از فعالان صهیونیستی بود. مادرش ارما کلبرگ (۲۰۰۲ م-۱۹۰۹ م) نیز یهودی بود. این خانواده که در سال ۱۹۳۷ م در فلسطین اشغالی ساکن شدند، به اصول اروپایی پایبند بودند و در منطقه ای زندگی می‌کردند که بعد از جنگ جهانی دوم آن منطقه تحت نفوذ کشورهای آلمان و اکران قرار داشت و به این دلیل یادگیری و شناخت زبان‌های مختلف برای اتان کلبرگ آسان و میسر گردید. این مستشرق در چندین کشور نیز اقامت داشت و در آنجا به شاگردی اساتید زیادی در آمد. او در سال ۱۹۶۹ م تا ۱۹۷۱ م تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه آکسفورد با دفاع از رساله خویش تحت عنوان «آرای شیعه امامیه حول صحابه پیامبر»، سپری کرد و مدرک دکتری خود را اخذ نمود. فعالیت‌های او حول پژوهش‌های تفکر اسلامی و تعلیم دینی در قرون میانی اسلامی می‌چرخد، بخصوص متمرکز بر اسلام شیعی می‌باشد. به طوری که مقالات زیادی را درباره اصول اعتقادی در شیعه و فرقه‌های تشیع تألیف کرده است؛ ولی اهمیت ویژه‌ای را درباره فرهنگ تشیع و آموزه‌های آن در مطالعاتش قرارداد. (Moezzi & et al, 2009, 11-23)

کرده و در آن به معرفی فرق اسلامی پرداخته است.

مادلونگ و واکر بعد از یافتن نسخه‌ای از جلد اول کتاب مذکور، متن عربی آن را همراه با ترجمه‌ای به زبان انگلیسی با مقدمه واکر به چاپ رساندند. پس از بررسی‌ها، واکر به این نتیجه می‌رسد که ابوتمام یکی از داعیان اسماعیلی خراسان در قرن چهارم است. و کتاب الشجرة او دو جلدی بوده و جلد دوم آن یکبار به نام الايضاح و بار دیگر با نام الشجرة اليقين به چاپ رسیده است که منتسب به نویسندگان اسماعیلی غیر از ابو تمام می‌باشند. واکر بعد از تحقیقات خود اینگونه ادعا کرده که آن دو کتاب تنها جلد دوم کتاب الشجرة ابو تمام بوده و مؤلف آن، خود ابوتمام است. (انصاری قمی، ۶۳-۶۷).

در پانویشت کتاب باب الشيطان، آثار کهنی از ملل و نحل مشاهده می‌شود، که در اغلب اوقات نوشته‌ها همانند متن کتاب، گزارش شده‌اند. بخشی از این کتب، منابع مهم ابوتمام را تشکیل می‌دهند. که از آنها می‌توان به کتاب مقالات الاسلامين تألیف ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن محمود الکعبی البلخی م ۲۸۹ ق و کتاب مقالات الاسلامين و اختلاف المصلين تألیف ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری م ۳۳۰ ق اشاره کرد. و بخشی دیگر را کتبی که در سالهای بعد از نگارش کتاب الشجر تألیف شده‌اند شامل می‌شود، مانند: کتاب مفاتیح العلوم خوارزمی م ۶۲۶ ق و کتاب شرح عیون المسائل جشمی و کتاب حور العین تألیف نشوان الحمیری. (ابوتمام، ۱۲۸-۱۰)

اثنی عشریه در کتاب الشجرة ابوتمام

ابوتمام در ذیل فرقه مفضلیه به معرفی اثنی عشریه می‌پردازد و امامان آنان را اینگونه گزارش می‌کند. بزرگترین گروه مفضلیه اعتقاد دارند که امام پس از رسول خدا، علی بن ابی طالب، سپس حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی، محمد بن حسن می‌باشند و محمد بن حسن نمرده و نمی‌میرد تا اینکه قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همانطور که از ظلم و جور پر شده است. (ابو تمام، ۱۲۲)

گزارش فرقه حریبه از کتاب الشجرة ابوتمام

فرقه چهارم از مذهب کیسانیه که منسوب به عبدالله بن عمرو بن حرب می‌باشند؛ اعتقاد دارند که امام بعد از رسول خدا صلّ الله علیه و آله و سلّم علی بن ابی طالب علیه‌السلام، سپس محمد حنفیه و بعد از او ابوهاشم بن محمد حنفیه است که ابوهاشم به عبدالله بن عمرو بن حرب، امامت را وصیت کرده است اما پس از مرگ عبدالله پیروانش عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب را به امامت پذیرفتند ... حریبه بعد از مرگ عبدالله بن معاویه به سه گروه تقسیم شدند.

گروه سوم: ادعا دارند که عبدالله بن معاویه و عبدالله بن عمرو بن حرب هر دو امام نبودند و آن دو در ادعای امامت دروغ گفته اند و امامت بعد از ابوهاشم به علی بن حسین بن علی بن ابی طالب می‌رسد سپس محمد بن علی امام باقر علیه‌السلام می‌باشد و این گروه با امامیه اثنی عشریه اجتماع کردند و بر کلمه واحدی متفق شدند. (همانجا، ۱۰۱)

اثنی عشریه در کتاب مقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری

سعد بن عبدالله در ابتدای کتاب خود، اولین فرقه که در زمان رسول خدا وجود داشته را شیعه معرفی نموده است. بعد از پیامبر اکرم، گروهی از آنان به امامت امام علی علیه‌السلام ثابت قدم ماندند. (اشعری، ۱۷) شیعه علوی که امام علی را جانشین رسول خدا می‌دانستند بعد از او امامت را در فرزندان، امام حسن سپس امام حسین پذیرفتند، پس از قتل امام حسین، امامت علی بن حسین، (همانجا، ۷۰) بعد از او محمد بن علی امام باقر (همانجا، ۷۴)، سپس امامت جعفر بن محمد را قبول کردند. بعد از وفات جعفر بن محمد، یاران او به دلیل وجود روایات به امامت امام بعدی، فرزندش امام موسی کاظم را به امامت پذیرفتند. (همانجا، ۸۸) پس از قتل امام موسی کاظم در زندان هارون، یاران او امامت را در علی بن موسی‌الرضا می‌دانند؛ زیرا آنان ادعا دارند که امام موسی کاظم قبل از اینکه در زندان هارون محبوس شود بر امامت فرزندش امام رضا وصیت نموده است که به آنان قطعیّه می‌گویند.

یاران علی بن موسی الرضا، امامت را پس از ایشان به فرزندش محمد بن علی سپس علی بن محمد و بعد از ایشان حسن بن علی که به ابا محمد معروف بودند، می‌رسد. (همانجا، ۹۶)

امامیه بر این باورند که حسن بن علی، از دنیا رفته است و فرزند پسری بالغ بر جای گذاشت، نام او محمد است و او امام بعد از امام حسن عسکری است و امام حسن عسکری علیه السلام به امامت او اشاره کرده بود، و او را در زمان حیات خود به استتار و اختفا، از ترس بر جان او امر فرمود. (همانجا، ۱۱۴)

حریبه در کتاب سعد بن عبدالله اشعری

در کتاب مقالات و الفرق در ذیل فرقه حریبه، مؤلف چنین یاد می‌کند که آنان گروهی از کیسانیه می‌باشند و اعتقاد دارند، محمد بن حنفیه نمرده است و او مهدی، وصی علی علیه السلام می‌باشد. حریبه یاران عبدالله بن حرب کندی بر این باورند که روح خداوند در پیامبر اکرم سپس علی بن ابی طالب و بعد از آن در حسن و حسین دمیده شده است و بعد از آنان در محمد حنفیه رسوخ کرده است، بعد از محمد بن حنفیه به پسرش ابوهاشم رسیده و او امام است تا زمانی که محمد بن حنفیه از شعب خارج شود. (اشعری، سعد، ۲۶-۲۸)

بعد از ابوهاشم، یاران او چند دسته شدند؛ اما در ادعای امامت عبدالله بن معاویه، باید گفت که گروهی از یاران ابوهاشم در زمان حیات او تکذیبش کردند و همچنین مابقی یاران در یکی از اجتماعات، عبدالله بن حرب را به صورت سؤال مورد آزمایش قرار دادند و به کذب ادعای او یقین نمودند. پس برای یافتن پیشوایی از بنی هاشم به سوی مدینه رهسپار شدند، در آنجا امامت عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب را قبول کردند. (اشعری، سعد، ۴۱)

در آخر قسمت حریبه، مؤلف درباره این فرقه چنین می‌گوید: همه آنان علی بن ابی طالب، حسن و حسین و محمد حنفیه را عالمانی دانسته و اطاعت از آنها واجب بوده و این امر بعد از آنها به محمد بن علی (امام باقر) انتقال یافت. او صاحب امر و اطاعت او واجب است. با توجه به آنچه گفته شد، امامان حریبه، امام علی علیه السلام سپس امام حسن و امام حسین و محمد حنفیه و امام باقر می‌باشند.

اثنی عشریه در کتاب مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین ابو الحسن اشعری

اولین گروه از امامیه قطعیه نام دارد؛ زیرا بر مرگ موسی بن جعفر اعتقاد دارند که به این نام معروف شدن و اکثریت شیعه را تشکیل می‌دهند. در این کتاب ائمه آنان را به این‌گونه بیان شده است، اولین آنان علی بن ابی طالب سپس حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی، محمد بن حسن که غایب منتظر در نزد آنان است. اشعری در بیان ائمه شیعیان تصریح می‌نماید که هر امامی از آنان بر امامت امام بعد از خودش وصیت کرده است؛ یعنی هر امامی امام بعد را به یاران خود معرفی نموده است. (اشعری، ابوالحسن، ۹۰/۱)

حربیه در کتاب مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین ابو الحسن اشعری

حربیه یاران عبدالله بن حرب، ادعا دارند ابوهاشم، عبدالله بن عمرو بن حرب را به امامت بعد از خودش منصوب کرده است؛ اما یاران او بعد از مدتی کذب ادعای او را پی بردند. بعد از او امامت عبدالله بن معاویه بن جعفر بن ابی طالب را پذیرفتند که بعد از مرگ عبدالله بن معاویه، به سه گروه تقسیم شدند. گروهی گفتند: عبدالله مرده، گروهی دیگر ادعا داشتند که در کوه های اصفهان بسر می‌برد. گروهی دیگر بر این باور بودند که او مهدی است که پیامبر بشارت او را داده است. (اشعری، ابوالحسن، ۹۶/۱-۹۷)

اثنی عشریه در کتاب مقالات الاسلامین ابو القاسم بلخی

کتاب مقالات الاسلامین ابو القاسم بلخی از مصادر ابوتمام می‌باشد. (رحمتی، ۱۰۴) اصل این کتاب که از کتب فرق نگاری معتبر به حساب می‌آید، وجود ندارد؛ اما در کتاب المغنی فی ابواب توحید و العدل، در معرفی فرقه اثنی عشریه مؤلف از کتاب ابوالقاسم بلخی می‌نویسد. بلخی امامان شیعه را بدین ترتیب می‌داند که پیامبر اکرم بر امامت حضرت علی

علیه‌السلام با نام او تصریح فرموده‌اند و امامت بعد از علی، به حسن می‌رسد، سپس حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و (ابوالقاسم بلخی) گفت: حسن بن علی در زمان ما وفات کرده است و هیچ پسری نداشت و امامیه در امر (امامت) مورد اختلاف واقع شدند. و اینان بزرگان امامیه که بیشترین عدد در فرقه‌ها را دارا هستند و قطعیه نام دارند. زیرا بر وفات امام موسی کاظم اعتقاد دارند. (قاضی عبدالجبار، ۱۷۶/۲۰)

بنا به سخن بلخی در این کتاب در موضوع امامت امام دوازدهم شیعیان چنین یاد می‌کند. شیعیان قائل به امامت حسن بن علی بعد از پدرش می‌باشند؛ و ما در اینجا به ابطال این اقوال احتیاج نداریم، زیرا این اقوال مبنی به قول نص هستند، و اگر ما این اقوال را باطل کنیم، آنچه از فروغ است، باطل خواهد شد. (همانجا، ۱۸۲/۰س ۲)

بلخی بنا به گفته خود نمی‌توانسته اقوال شیعیان را نپذیرد؛ چرا که قول شیعیان بر امامت محمد بن حسن، مبنی بر نص بوده که بلخی نمی‌توانسته آن را رد کند.

حریبه در مقالات الاسلامین ابو القاسم بلخی

حریبه فرقه‌ای از کیسانیه که به امامت امام علی پس از پیامبر، اعتقاد دارند. بعد از امام علی علیه‌السلام، حسن، حسین سپس محمد حنفیه و بعد از آن ابوهاشم را امام می‌دانند. گروهی از یاران ابوهاشم عبدالله بن عمرو بن حرب را به امامت رساندند که به حریبه معروف هستند. اما بعد از مدتی به کذب ادعای عبدالله بن عمرو بن حرب پی بردند، پس عبدالله بن معاویه بن جعفر بن ابی طالب را در مدینه به امامت برگزیدند.

پس از مرگ عبدالله بن معاویه، پنج گروه شدند که گروه پنجم ادعا کردند، ابوهاشم هیچ فرزندی نداشت و امام بعد از او علی بن حسین است. سپس این فرقه با قطعیه در امامت بعد از علی بن حسین یعنی امامت محمد بن علی اتفاق کردند. (قاضی عبدالجبار، ۱۷۷-۱۷۹/۲۰)

تحلیلی از فرقه حریبه در کتب مذکور

حریبه یاران عبدالله بن عمرو بن حرب کندی، هستند؛ در کتاب ابوتمام، امامان این فرقه امام علی علیه السلام و سپس محمد حنفیه، یاد شده است؛ که بعد از آن فرزندش ابوهاشم به امامت رسیده و بعد از ابوهاشم، عبدالله عمرو بن حرب کندی ادعای جانشینی ابوهاشم را می‌کند. در کتاب مقالات الاسلامین ابو القاسم بلخی، فرقه حریبه را گروهی از کیسانیه معرفی کرده است و مشخص ننموده که این فرقه از کیسانیه، امامت امام حسن و حسین را قبول دارند، یا گروهی هستند که امامت را بعد از امام علی، به محمد حنفیه نسبت می‌دهند. بلخی حریبه را اینگونه معرفی کرده: آنان گروهی هستند که اعتقاد به مرگ محمد حنفیه دارند و ابوهاشم را امام بعد از محمد حنفیه می‌دانند و بعد از مرگ ابوهاشم، فرقه او به پنج گروه تقسیم شده است، گروه سوم حریبه یاران عبدالله بن عمرو بن حرب هستند. ابوالحسن اشعری در کتاب مقالات السلامین و ختلاف المصلین، فرقه حریبه را چنین بیان می‌کند: گروهی از کیسانیه هستند که معتقدند بعد از ابوهاشم، امامت به عبدالله بن عمرو بن حرب رسیده است.

سعد بن عبدالله اشعری در بیان معرفی حریبه در کتاب المقالات و الفرق امامان حریبه را امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، معرفی کرده، سپس محمد حنفیه امام می‌باشد و بعد از او فرزندش ابوهاشم و بعد از ابوهاشم، امامت به عبدالله بن حرب کندی می‌رسد. در چهار کتب ملل و نحل یاد شده، اشاره به آن دارد که عبدالله بن عمرو بن حرب، بعد از آنکه ادعای امامت کرده، و روح ابوهاشم در او متحول شده است، یاران او به کذب ادعایش پی برده‌اند و برای خود به دنبال امام دیگری به مدینه رفتند.

در کتاب ابوالحسن اشعری مطلبی درباره اجتماع دو فرقه حریبه و اثنی عشریه سخنی به میان نیامده است؛ اما در کتاب الشجره ابوتمام می‌خوانیم، بعد از مرگ عبدالله بن معاویه فرقه او سه گروه شدند، گروه سوم اعتقاد دارند که عبدالله بن معاویه و عبدالله بن عمرو بن حرب، هر دو دروغ گفته‌اند و بعد از ابوهاشم، علی بن حسین (امام زین العابدین) امام است

و بعد از او محمد بن علی باقر العلم، امام می‌باشد و این گروه با امامیه اثنی عشریه، بر کلمه واحدی اتفاق کرده‌اند.

بلخی در این باره می‌نویسد که حریبه بعد از مرگ ابوهاشم، پنج گروه شدند. گروه سوم، همان حریبه هستند و گروه پنجم، گفته‌اند که ابوهاشم فرزندی نداشته و امام بعد از ابوهاشم، علی بن حسین (امام زین العابدین) است. سپس این فرقه با قطعیه بر اینکه امام بعد از علی بن الحسین محمد بن علی می‌باشد اتفاق کردند و بعد از آن به سه گروه تقسیم شدند.

سعد بن عبدالله اشعری در آخرین سخن خود درباره فرقه کیسانیه، اینگونه گزارش کرده است: همه اینها کیسانیه، حریبه، ... بودند. و همه آنها امام علی بن ابی طالب، حسن، حسین و محمد حنفیه را عالمانی می‌دانند که اطاعت از آنها واجب است و بعد از آنها این امر، به محمد بن علی ابی جعفر، انتقال یافت. او صاحب امر و اطاعت از او واجب است.

نتایج مقاله

۱- در منابع حدیثی شیعه، روایات متعددی با موضوع دوازده جانشین بعد از رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم، مشاهده می‌شود. در برخی از احادیث نام یکایک آنان یاد شده است. همچنین همانند این احادیث را در کتب حدیثی اهل سنت می‌یابیم. پس اثنی عشریه و دوازده امام آن از زمان پیامبر اکرم، از زبان ایشان و دیگر ائمه معرفی شده است.

۲- حریبه: یاران عبدالله بن عمرو بن حرب کندی هستند. در کتب ملل و نحل آمده است که یاران او بعد از ادعای امامت عبدالله بن حرب، به دروغ او پی بردند و او را ترک نمودند، در نتیجه می‌توان گفت: زمانی که گروهی، افراد مؤسس مذهبی را ترک نمایند و به دنبال ریاست فرد دیگری می‌باشند، آن فرقه و یا مذهب از اساس ریشه کن می‌شود؛ فرقه حریبه نیز دچار چنین جریانی شده است.

۳- امامان حریبه در کتب ملل و نحل بدرستی معرفی نشده‌اند، در برخی کتب به شش امام و در برخی دیگر چهار امام، یاد شده است.

۴- درباره اجتماع دو فرقه حریبه و اثنی عشریه بعد از مرگ عبدالله بن معاویه، تنها در کتاب الشجره ابو تمام، جمله "و اجتمع هذا الصنف مع الامامیه الاثنی عشریه و اتفقوا علی کلمه واحده" آمده است. این کلمه واحده بر اساس دیگر کتب ملل و نحل که از مراجع کتاب الشجره ابو تمام بوده است، تنها درباره پذیرش امامت امام باقر، بعد از امام علی بن حسین می باشد.

۵- در کتاب مقالات الاسلامین ابوالقاسم بلخی بعد از مرگ ابوهاشم، گروه او پنج دسته شدند، گروه پنجم گفته اند: بعد از مرگ ابوهاشم، علی بن حسین را امام دانسته، سپس با قطعی در اینکه بعد از علی بن حسین، امام باقر، به امامت می رسد، اتفاق کردند. در نتیجه کلمه واحده در نگاه ابو تمام، از نظر بلخی امامت امام باقر می باشد.

۶- کتاب مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین ابوالحسن اشعری، از دیگر منابع کتاب الشجره ابو تمام است، در ذیل فرقه امامیه، از حریبه یاد نکرده است و همچنین در معرفی حریبه، از فرقه امامیه یا اثنی عشریه سخنی به میان نیاورده است.

۷- گروهی که با اثنی عشریه در امامت امام باقر علیه السلام، بعد از امام سجاد علیه السلام، اتفاق کردند، از حریبه نبودند؛ بلکه در اصل یاران ابوهاشم هستند، بعد از اینکه دروغ امامت عبدالله بن عمرو بن حرب را فهمیدند، از او روی گردان شدند.

۸- پژوهشگرانی که کتاب الشجره ابو تمام را از منابع مطالعاتی خود قرار می دهند، باید به جستجوی کتاب یا اقوال ابوالقاسم بلخی در دیگر کتب بپردازند. به دلیل اینکه اصل کتاب مقالات الاسلامین ابوالقاسم بلخی، امروزه در دسترس پژوهشگران نیست و باید به کتاب المغنی فی ابواب التوحید و العدل قاضی عبدالجبار، نگریسته شود تا به منظور واقعی متن کتاب الشجره ابوتمام برسند.

۹- اتان کلبرگ در نگارش مقاله نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی عشری، کوتاهی کرده و منابع دیگر مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است؛ کلبرگ همچنین به منابع ملل و نحل که قبل از ابوتمام نگارش شده مراجعه نکرده تا حقیقت دو فرقه حریبه و اثنی عشریه را بیابد اما او به مطالعه یک کتاب اکتفا کرده در نتیجه نتوانسته قضاوت درستی کند، در این صورت دو فرقه حریبه که دارای شش امام بوده، با فرقه اثنی عشریه که دارای دوازده امام هستند را یکسان نمی پنداشت.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی شیبۀ، ابوبکر عبدالله بن محمد، مسند ابن ابی شیبۀ، دار الوطن، ریاض، عربستان سعودی، بی‌تا.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية، دارالعصمة- دارالغیث، ریاض، عربستان سعودی، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن حماد، نعیم، کتاب الفتن، مكتبة التوحید، قاهره، مصر، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن حنبل، احمد، المسند، مؤسسة الرسالة، بیروت، لبنان، بی‌تا.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، علامه، قم، ایران، ۱۳۷۹ش.
۷. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام دلیل ما، قم، ایران، ۱۴۲۴ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، مكتبة المعارف، بیروت، لبنان، ۱۴۱۰ق.
۹. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، لبنان، بی‌تا.
۱۰. ابوصلاح حلبی، تقی بن نجم، تقریب المعارف، الهادی، قم، ایران، ۱۴۰۴ق.
۱۱. ابوتمام، یوسف بن محمد، کتاب الشجرة، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، بی‌تا.
۱۲. ابوفداء، عماد الدین اسماعیل بن علی، المختصر فی اخبار البشر (تاریخ ابی فداء)، مطبعة الحسینیة مصر، مصر، ۱۳۲۵ق.
۱۳. اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ایران، ۱۳۶۰ش.
۱۴. اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، المكتبة العصرية، بیروت، لبنان، ۱۴۱۱ق.
۱۵. انصاری قمی، حسن، "کتابی از ابوتمام نیشابوری فیلسوف ایرانی ناشناخته"، فصلنامه نشر دانش، سال هجدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۰، ۶۳-۶۷.
۱۶. آملی، سیدحیدر، تفسیر محیط الاعظم و البحر الخضم، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۲۲ق، چاپ سوم.
۱۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، غایة المرام و حجة الخصام، مؤسسة التاریخ العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۲۲ق.
۱۸. همو، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق، چاپ اول.
۱۹. همو، الانصاف فی النص علی الائمة الاثنی عشر علیهم السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ش، چاپ دوم.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دار بن کثیر، دمشق- بیروت، ۱۴۲۳ق.
۲۱. جرجانی، حسین، جلاء الازهان و جلاء الاحزان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش، چاپ اول.
۲۲. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، انتشارات طباطبائی، قم، ایران، بی‌تا.
۲۳. جوهری، اسماعیل بن عماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، دارالعلم للملایین، بیروت، لبنان، ۱۳۹۹ق.
۲۴. جوینی، ابراهیم، فائد السمطین، دار الحديث، قم، ایران، ۱۴۲۸ق.
۲۵. حمیری، نشوان بن سعید، الحور العین، کتابخانه مجازی الفبا، باز نشر مقالات و کتب، تهران، ایران، ۱۹۷۲م.

۲۶. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، بیدار، قم، ایران، ۱۴۰۴ق.
 ۲۷. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ق.
 ۲۸. رضوانی، علی‌اصغر، دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات، مسجد جمکران، قم، ۱۳۹۶ش، چاپ ششم.
 ۲۹. صدوق، محمد بن علی، الامالی، کتابچی، تهران، ایران، ۱۳۷۶ش.
 ۳۰. همو، الخصال، جامعة المدرسین، قم، ایران، ۱۳۶۲ش.
 ۳۱. همو، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، نشر جهان، تهران ایران، ۱۳۷۸ش.
 ۳۲. همو، کمال الدین و اتمام النعمة، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ایران، ۱۳۹۵ق.
 ۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ایران، ۱۳۹۰ق.
 ۳۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، دارالمعارف مصر، قاهره، مصر، ۱۱۱۹م.
 ۳۵. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، دار المعارف الاسلامیة، قم، ایران، ۱۱۴۱ق.
 ۳۶. فیض کاشانی، محمدبن مرتضی، تفسیر صافی، انتشارات الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
 ۳۷. قاضی عبدالجبار، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، بی‌جا، بی‌تا.
 ۳۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ناصر خسرو، تهران، ایران، ۱۳۶۴ش.
 ۳۹. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دار التأسیل، بی‌جا، ۱۴۳۵ق.
 ۴۰. کلبرگ، اتان، نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی عشریه، ترجمه کاظم رحمتی، مجله کتاب ماه و دین، شماره ۴۷ و ۴۸، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ۶۴-۷۵.
 ۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ایران، ۱۴۰۷ق.
 ۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم.
 ۴۳. مغنیه، محمدجواد، الشیعة فی المیزان، دار الجواد، بیروت، لبنان، ۱۴۱۷ق.
 ۴۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، نشر صدوق، تهران، ایران، ۱۳۹۷ق.
 ۴۵. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، دارالاضواء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ق.
46. Amir Moezzi, Barasher Meir M, Hopkins Simon, Le shiisme inumte quarante ans apres homage a Etan Kohlerg, Brepols, 2009.